



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۱ آذر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: مسأله ۱۱- وطی زوجة دبراً- بررسی روایات- طائفه دوم: روایات مانعه

مصادف با: ۲۴ ربیع الاول ۱۴۴۰

سال اول

جلسه: ۳۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در روایات مانعه بود؛ عرض شد برخی از روایات دلالت بر منع وطی المرأة دبراً دارد. چهار روایت را در جلسه قبل مورد بررسی قرار دادیم؛ چهار روایت دیگر باقی مانده که اینها را نیز بررسی می‌کنیم تا به جمع بین روایات مجوزه و روایات مانعه برسیم.

ادامه بررسی روایات مانعه

روایت پنجم: روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) است. «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي أَهْلَهُ فِي دُبْرِهَا فَكْرَهُ ذَلِكَ وَقَالَ (ع): وَ إِيَّاكُمْ وَ مَحَاشِئَ النِّسَاءِ وَقَالَ (ع): إِنَّمَا مَعْنَى «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَاتُّوا حَرْثَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ» أَيَّ سَاعَةٍ شِئْتُمْ»^۱ ابی بصیر می‌گوید از امام صادق (ع) درباره مردی سؤال کردم که اتیان به دبر زوجه‌اش دارد. امام (ع) به این عمل روی خوش نشان ندادند و فرمود: از ادبار النساء بپرهیزید؛ بعد فرمود: معنای آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَاتُّوا حَرْثَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ» این است که ای ساعه شتتم، نه ای مکان شتتم. اینکه خداوند در قرآن فرموده زنان کشتزارهای شما هستند، پس می‌توانید به کشتزارها وارد شوید آنی شتتم؛ یعنی هر زمانی که خواستید و نه اینکه من ای موضع شتتم، تا شما گمان کنید که اجازه وطی در دبر داده شده است.

این روایت ظهور و بلکه صراحت در منع دارد. سند این روایت، سند خوبی است.

روایت ششم: روایت زین ابن ثابت است. «عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَلْتَوْتِي النِّسَاءَ فِي أَدْبَارِهِنَّ»، آیا اتیان به ادبار نساء می‌شود یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان به نساء از ادبار واقعه و جماع کرد یا نه؟ «فَقَالَ (ع) سَفَلَتْ سَفَلَ اللَّهِ بِكَ أَمَا سَمِعْتَ يَقُولُ اللَّهُ أَلْتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ». امام (ع) در پاسخ به این سؤال فرمود: خودت را پست قرار دادی و تنزل کردی! و خدا تو را این چنین قرار داد. آیا نشنیده‌ای که خداوند تبارک و تعالی از این فحشا نهی کرده و فرموده آیا شما به عمل زشتی روی می‌آورید که قبل از شما هیچ کس به این عمل مبادرت نکرده است؟

بررسی روایت ششم: این روایت صرف از نظر مشکلی که بعضاً نسبت به سند آن مطرح می‌شود، از نظر دلالت نیز مشکل دارد و چون سؤال از اتیان فی ادبار النساء است؛ سائل خیلی روشن و صریح از واقعه با نساء فی الادبار پرسیده است. اما

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۳۳۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴۴، باب ۷۲ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۹.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۵۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴۴، باب ۷۲ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱۱.

جواب با آیه «أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ...» است؛ این آیه درباره قوم لوط است. نهی این آیه و مذمتی که در این آیه از عاملین این عمل شده است مربوط به اتیان فی دبر الرجال است، یعنی مشکلی که قوم لوط به آن مبتلا بودند. اینکه سؤال از اتیان فی ادبار النساء است اما پاسخ با استناد به این آیه بیان شده، دلالت این روایت را مخدوش می‌کند. درست است امام(ع) در ابتدا فرموده «سَفَلَتْ سَفَلَ اللَّهِ بِكَ» که این بیان امام(ع) ظهور در منع دارد و اینکه مورد رضایت نیست، اما استناد به این آیه مقداری عجیب است؛ کأن آنچه از دید این روایت مشکل بوده، مشکل اتیان فی الدبر بوده و نه اتیان بالرجال. لذا به نظر می‌رسد این روایت قابل استدلال برای منع نیست. علاوه بر این، همان طور که عرض شد روایت ضعف سندی هم دارد.

روایت هفتم: روایت فتح بن یزید جرجانی است. «عَنِ الْفَتْحِ بْنِ يَزِيدَ الْجُرْجَانِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا (ع) فِي مِثْلِهِ فَوَرَدَ الْجَوَابُ». «مثله» همین سؤال و جوابی است که نقل شد. «سَأَلْتُ عَمَّنْ أَتَى جَارِيَةً فِي دُبْرِهَا وَالْمَرْأَةَ لُعْبَةً فَلَا تُؤْذَى وَهِيَ حَرْتُ كَمَا قَالَ اللَّهُ». ^۱ فتح بن یزید می‌گوید: من به امام رضا(ع) نامه نوشتم و نظیر همین سؤال را پرسیدم و جواب دادند. من درباره کسی پرسیدم که به جاریه‌اش دبراً اتیان می‌کند. جواب امام(ع) این بود: زن وسیله تفریح، آرامش، رفاه و نشاط مرد است؛ پس نباید اذیت نشود، در حالی که این کشتزار شماس است.

اینکه می‌گوید «و هی حرث» نظیر این استدلال را قبلاً در آیات داشتیم؛ برخی به این آیه برای منع استناد کرده‌اند و می‌گویند اینکه آیه می‌فرماید کشتزار است، یعنی مثل زمینی که در آن بذر می‌پاشند و محصول می‌دهد، زن نیز چنین وضعیتی دارد. اگر این تعبیر درباره زن درست باشد، باید آن حیث فرزندآوری مد نظر باشد؛ فرزند نیز از محل فرج حاصل و خارج می‌شود. پس وقتی می‌گوید زن کشتزار است، یعنی خصوصیت کاشتن بذر و استحصال، در زن اصل است و این خصوصیت از دبر حاصل نمی‌شود. به علاوه، اینکه از ایداء مرأه نهی کرده‌اند، کأن این عمل را مصداق را ایداء دانسته‌اند؛ این کاری است که موجب اذیت زن می‌شود. لذا نهی کرده‌اند و از آن حرمت استفاده می‌شود.

بررسی روایت هفتم: این روایت، مثل روایت چهارم که در جلسه قبل بررسی شد، چه بسا در مقام یک توصیه و ارشاد اخلاقی است مبنی بر اینکه مرد باید مراعات حال زن را کند؛ کاری نکند که موجب اذیت و آزار او شود. لذا اگر این احتمال داده شود - که خیلی بعید هم نیست - می‌توان در دلالت این روایت بر منع، اشکال کرد. به علاوه، این روایت از نظر سندی روایت محکمی نیست.

روایت هشتم: روایت معمر بن خلاد است. «عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ (ع) أَيَّ شَيْءٍ يَقُولُونَ فِي إِيْتَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ». امام(ع) از من این سؤال را پرسید که اینها درباره اتیان به دبر نساء چه می‌گویند؟ در جلسه قبل عرض شد که اعجاز جمع عَجُز به معنای مؤخره و دنباله است که به دبر اطلاق شده است. «قُلْتُ إِنَّهُ بَلَّغَنِي أَنَّ أَهْلَ الْمَدِينَةِ لَا يَرَوْنَ بِهِ بَأْسًا»، معمر بن خلاد می‌گوید به امام(ع) عرض کردم: من شنیده‌ام که اهل مدینه اشکالی در این کار نمی‌بینند. اهل مدینه اشاره به مالک است که فقیه اهل مدینه بود. او که از ائمه اربعه اهل سنت است، اشکالی در این کار نمی‌بیند و اتباع و پیروان او به این امر قائل‌اند. «فَقَالَ إِنَّ الْيَهُودَ كَانَتْ تَقُولُ إِذَا أَتَى الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ مِنْ خَلْفِهَا خَرَجَ وَكُدَّهُ أَحْوَلَ فَانزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۳۳۶؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴۴، باب ۴۲ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱۰.

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ قُدَّامٍ خِلَافًا لِقَوْلِ الْيَهُودِ وَ لَمْ يَعْزِ فِي أَدْبَارِهِنَّ»^۱ معمر بن خلاد می گوید: بعد از اینکه به امام (ع) عرض کردم که اهل مدینه اشکالی در این کار نمی بینند، حضرت فرمود: یهود اینطور می گفتند که اگر مردی با زنش از پشت جماع کند و فرزندی متولد شود، احوال و دویین خواهد شد؛ یعنی در فرزندی که بر اثر موافقه از پشت به دنیا بیاید، یک نقصی وجود خواهد داشت. آن وقت خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل کرد: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ»، زنان شما کشتزارهای شما هستند؛ پس هر طور که می خواهید اتیان کنید، از پشت یا جلو. منتهی «من خلفهن» به معنای «من ادبارهن» نیست؛ در هر دو صورت فرض این است که اتیان بالنساء فی الفروج است، اما گاهی این اتیان من الخلف است و گاهی من القدام است. امام (ع) می فرماید: آیه ای که خداوند نازل کرده، اصلاً ارتباطی به ادبار ندارد. اینکه آیه فرموده «فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» یعنی من الخلف او من القدام.

در جلساتی که این آیه بررسی می شد، عرض شد که این اشاره به جهت دارد و دال بر جواز وطی المرأة دبراً نیست. چون آیه مورد استناد قائلین به جواز وطی المرأة دبراً قرار گرفته بود. آنجا عرض کردیم که به حسب برخی روایات که «أنی» یا زمانی است یا مشیر به جهت است. در حالی که اعتقاد یهود این بود که اتیان بالنساء دبراً چنین مشکلی را ایجاد می کند.

سؤال:

استاد: امام (ع) در واقع با این بیان، رأی اهل مدینه را انکار می کند؛ یعنی تخطئه می کند که اهل مدینه و فقیه آنها قائل به جواز بوده اند. آنها برای جواز استناد به این آیه کرده اند؛ یعنی مالک معتقد به جواز وطی المرأة دبراً بود و دلیلش را این آیه قرار داده بود؛ می گفت به دلیل آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» من فتوا به جواز می دهم. امام (ع) در مقام رد مالک و اهل مدینه می فرماید این آیه اصلاً دلالت بر جواز ندارد؛ چون در این آیه خداوند از «أنی شئتم» ادبار را اراده نکرده است؛ منظور خداوند از «أنی شئتم» این نبوده که من الفرج أو الدبر، تا چنین استفاده ای شود، بلکه منظور از نزول این آیه، رد عقیده یهود بود. آنها معتقد بودند که اگر اتیان به نساء من الخلف [نه دبر] واقع شود، فرزندی که متولد می شود احوال است.

پس تقریب استدلال به این روایت این شد که کأن امام (ع) با این بیان و نقل اعتقاد یهود و بیان وجه نزول این آیه که در مقام رد اعتقاد یهود بوده، عقیده اهل مدینه را تخطئه می کند و می فرماید چرا اینها قائل به جواز شده اند؟ لذا از این روایت استفاده منع کرده اند.

سؤال:

استاد: امام این را رد نمی کند؛ اینجا دو مسأله وجود دارد: یکی وطی المرأة دبراً و یکی وطی المرأة فی فرجها من خلفها. امام (ع) در واقع می خواهد بگوید این آیه بیان می کند که اتیان بالنساء من الخلف أو القدام اشکالی ندارد. اینجا باید نسبت این روایت را با روایاتی که از وطی المرأة من خلفها منع کرده، بسنجیم. آن روایات ظهور در منع دارد و اینجا امام (ع) می فرماید وطی المرأة من خلفها بر طبق این آیه اشکالی ندارد. پس یک مسأله این است که امام (ع) در این روایت

^۱ تهذیب، ج ۷، ص ۴۱۵، ح ۱۶۶۰؛ استبصار، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۸۷۷؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴۱، باب ۷۲ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱۱،

می خواهد بگوید که این آیه رداً علی اليهود نازل شده است؛ عقیده یهود این بود که وطی فرج المرأة من الخلف لایجوز. اما این آیه می گوید وطی المرأة فی فرجها من الخلف یجوز. امام (ع) می خواهد بفرماید این هیچ ربطی به وطی المرأة دبراً ندارد. یعنی در حقیقت با این بیان می خواهد مالک و اهل مدینه را تخطئه کند؛ چون آنها به استناد این آیه فتوا به جواز وطی المرأة دبراً داده اند.

سؤال:

استاد: تقریب استدلال به این روایت در مانحن فیه چیست؟ برخی این روایت را به عنوان روایت دال بر منع وطی المرأة دبراً آورده اند؛ می گویند چون امام (ع) در مقام تخطئه مالک به عنوان فقیه اهل مدینه، پایه استدلال آنها را خراب کرد. مالک و اهل مدینه قائل به جواز بودند و به این آیه استناد می کردند. امام (ع) فرمود آنها آیه را غلط معنا می کنند؛ منظور این آیه از «أنی شئتم» اینطور نیست که ای مکان شئتم، من الدبر أو الفرج. منظور از «أنی» جهت است؛ یعنی من ای جهة شئتم، یعنی من الخلف أو من القدام؛ شئتم اتیان من فرج را. این اصلاً نظر به اتیان فی الدبر ندارد؛ اینها آیه را بد فهمیده اند. آیه می خواهد بگوید اتیان بالنساء فی الفرج، فرق نمی کند که من القدام باشد [از جهت جلو] یا من الخلف باشد [از جهت پشت]. این هیچ ربطی به مسأله اتیان فی الدبر ندارد.

شما می فرمایید این بیان امام (ع) با آن روایاتی که منع کرده، چه نسبتی دارند؟ می توان اینطور گفت که این روایات اصل جواز را بیان می کند و آن روایات مانعه حمل بر کراهت می شود. یعنی جمع بین روایتی که دال بر جواز اتیان بالمرأة فی فرجها من الخلف است، با روایاتی که منع از اتیان المرأة فی فرجها من الخلف می کند، این است که این روایت دال بر جواز است و اصل جواز را بیان می کند؛ آن روایتی که منع کرده حمل بر کراهت می شود.

سؤال:

استاد: خدشه ای وارد نکردیم؛ اجمالاً تقریب استدلال به این روایت بر منع را بیان کردیم که این اجمالاً ظهور در منع دارد. چون در مقام تخطئه مالک است؛ مالک فتوا به جواز داده و به این آیه استناد کرده است. امام (ع) می گوید که دلیل او نادرست است.

سؤال:

استاد: امام (ع) در واقع دارد این آیه را توضیح می دهد؛ امام (ع) از معمر بن خلاد سؤال کرد که نظر اهل مدینه چیست؟ او پاسخ داد که می گویند که وطی المرأة دبراً جائز. امام (ع) کأن می دانستند به چه دلیل آنها چنین فتوایی داده اند و مستند فتوای آنها این آیه است. اشکال می کند که چطور اینها قائل به جواز شده اند؟ دلیل آنها که آیه است، اصلاً ارتباطی به مسأله دبر ندارد. چطور از این آیه استفاده جواز کرده اند؟ می گوید این آیه برای این نازل شد که یهود فکر می کردند که اتیان النساء من الخلف فی فرجها اشکال دارد و نباید انجام شود. آیه می گوید چه من الخلف و چه من القدام باشد، اتیان فی الفرج جائز. تقریباً ده روایت بیان کردیم که دال بر جواز است. هشت روایت نقل کردیم که برخی از آنها قطعاً دال بر منع هستند. دو سری از روایات از ائمه به ما رسیده است. مهم ترین بخش اجتهاد جمع بین این متعارضات است. اینجا راه هایی برای جمع بین این روایات ارائه شده که باید این راه ها را مورد بررسی قرار دهیم.

«الحمد لله رب العالمين»